

تجربه زیسته کودکان کار شهر تبریز از احساس تنهایی

مطالعه به روش پدیدارشناختی

علی ایمانزاده^۱

سریه علیپور^۲

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۸/۱۰ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۲/۲۱

چکیده

خانواده نظامی اجتماعی است که اختلال در هریک از اعضای آن می‌تواند کل نظام خانواده را مختل کند. درک صحیح از مشکلات خانواده‌های کودکان کار، نه تنها به این کودکان و خانواده آن‌ها، بلکه به جامعه نیز کمک فراوانی می‌کند. یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر کیفیت زندگی کودکان کار، احساس تنهایی است؛ بنابراین هدف این پژوهش، توصیف و تبیین واکاوی تجربه‌های کودکان کار از احساس تنهایی بود. پژوهش حاضر به روش کیفی و پدیدارشناسی و نمونه‌گیری هدفمند و به کمک مصاحبه ژرف‌نگر با پانزده نفر از کودکان کار انجام گرفت و مصاحبه‌ها ضبط و به روش استرابت و کاربیتتر تجزیه و تحلیل شد. از یافته‌های تجربه‌های کودکان کار از احساس تنهایی چهار مضمون اصلی «احساسات ادراک‌شده»، «انواع احساس تنهایی»، «پیامدهای احساس تنهایی» و «راه‌های غلبه بر احساس تنهایی» شناسایی شد. کودکان کار در معرض انواع احساس تنهایی‌ها و به‌ویژه تنهایی اگزستانسیال قرار دارند. همچنین در زندگی خود احساس بی‌معنایی، ناامیدی و رهاشدگی دارند. بدین‌منظور می‌توان با سیاست‌هایی مانند بهبود تعامل اجتماعی، تدارک زمینه‌های تحصیل، آموزش مهارت‌های اجتماعی و معنویت‌درمانی بر این حس کودکان کار غلبه کرد.

واژه‌های کلیدی: احساس تنهایی، تجربه زیسته، کودکان کار، مطالعه پدیدارشناختی.

۱. دانشیار دانشگاه تبریز (نویسنده مسئول)، aliimanzadeh@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد بهسازی منابع انسانی دانشگاه تبریز، safa_sahand@yahoo.com

مقدمه و طرح مسئله

انسان موجودی اجتماعی و نیازمند برقراری ارتباط با دیگران است؛ به گونه‌ای که بسیاری از نیازهای متعالی و شکوفایی استعدادها و خلاقیت‌های وی تنها به کمک تعامل بین فردی و ارتباطات اجتماعی ارضا می‌شود و به فعل درمی‌آید. به همین دلیل همواره سعی می‌کند تا مهارت‌هایی را به منظور تسهیل ارتباط خود با دیگران کسب کند و بر تکامل شخصی خود بیفزاید (برنا و سواری، ۱۳۹۰). تنهایی نوعی احساس تکاملی سازگارانه است که فرد را به سوی تعاملات اجتماعی سوق می‌دهد (کاسیوپو و هاکی، ۲۰۰۹). در دنیای مدرن، باید به فرایند اجتماعی شدن و تعلیم و تربیت کودکان توجه کرد. در این میان، حضور مستمر گروهی از کودکان در خیابان، که در نگاه اول به دلیل بی‌خانمانی و قرارگرفتن در بحران اقتصادی به کار در خیابان روی آورده‌اند، به آزدگی و نگرانی شهروندان و مسئولان منجر شده است (ایمانی و نرسیسیانس، ۱۳۹۱). پژوهشگران گوناگون تعاریف متعددی از کودکان کار ارائه کرده‌اند. در بیشتر این پژوهش‌ها، کودکان کار کودکانی هستند که فعالیت‌های اقتصادی انجام می‌دهند و در فعالیت‌های بازاری مشارکت دارند، اما گروهی دیگر از پژوهشگران، کودکانی را که خارج از خانه کار می‌کنند و کودکانی را که در خانه و برای مصارف داخلی خانه فعالیت می‌کنند جزء کودکان کار قلمداد می‌کنند (گانرسون^۱ و همکاران، ۲۰۰۶). بنا بر تعریف اخیر سازمان دیده‌بان حقوق بشر، کودکان خیابانی به کودکان و نوجوانان زیر ۱۸ سال گفته می‌شود که به روش گوناگون در خیابان مشغول به کار و زندگی هستند. در واقع این کودکان بخش عمده‌ای از شبانه‌روز را در خیابان به سر می‌برند. آن‌ها یا منبع درآمد خانواده هستند، یا برای رفع احتیاجات شخصی خود کار می‌کنند. همچنین بخش چشمگیری از شبانه‌روز را در خیابان و دور از حمایت، نظارت و کنترل افراد بزرگسال مسئول به سر می‌برند (فلاح و همکاران، ۱۳۸۶). این کودکان بخشی از انبوه کودکانی هستند که با فقر جانکاه دست‌به‌گریبان هستند. آن‌ها در سراسر جهان در معرض آسیب قرار دارند و حقوقشان پایمال می‌شود. در ایران آمارهای دقیقی از کودکان خیابانی در دست نیست؛ زیرا مسائل فرهنگی و کوچ این کودکان به نقاط گرمسیر یا سردسیر، سرشماری آنان را دشوار کرده است، اما شمار آنان کمابیش از ششصد هزار تا یک میلیون تن برآورد شده است (سلیمانی و

حاجیانی، ۱۳۹۲). یکی از مسائل روان‌شناختی کودکان کار در زمینه رشد اجتماعی، احساس تنهایی است. تنهایی پدیده‌ای بین‌فرهنگی است و جهانی بودن آن نشانه نیاز جهانی به تعلق است. تعلق نیاز به ایجاد رابطه اجتماعی پایدار با شخص مراقب است. در نتیجه، تنهایی پاسخی شناختی-عاطفی است که برای تهدیدشدن این نیاز مطرح شده است. مؤلفه شناختی تنهایی شکاف میان رابطه اجتماعی دلخواه و رابطه اجتماعی واقعی است و مؤلفه عاطفی تنهایی هیجان‌های منفی ناشی از تنهایی مانند غم به‌شمار می‌آید. در این میان، کودک تنها نمی‌تواند حضور مهم و مؤثر والدین یا دیگران را در دنیای اجتماعی خود داشته باشد و فکر می‌کند در صورت بروز مشکل، دیگران او را در موقعیت معینی یاری نمی‌دهند (شارتل^۱، ۲۰۰۸). تنهایی تجربه‌ای ذهنی است و شاید شخص با اینکه در اطراف دیگران قرار دارد، احساس تنهایی کند یا زمانی که تنهاست احساس تنهایی نکند (سوناری^۲، ۲۰۱۰).

ویس (۱۹۷۳) در نظریه تنهایی خود، میان دو نوع محرومیت شامل «فقدان شبکه اجتماعی» و «فقدان فرد صمیمی دیگر»، تمایز قائل شد و تنهایی ناشی از این دو نوع محرومیت را به ترتیب «احساس تنهایی اجتماعی» و «احساس تنهایی عاطفی» نام‌گذاری کرد. به اعتقاد وی، ما برای پرکردن خلأ تنهایی خود و احساس اطمینان و امنیت، نیازمند برقراری ارتباط با افراد بی‌شماری نیستیم، بلکه به فرد خاصی احتیاج داریم که به ما اطمینان دهد می‌توانیم با دنیا و مشکلات آن مقابله کنیم. وی این فرد خاص را «نگاره دل‌بستگی» و تنهایی ناشی از نبود دل‌بستگی عاطفی به این نمادها و نداشتن رابطه نزدیک و صمیمی با افراد خاص دیگر را احساس تنهایی عاطفی می‌نامد. احساس تنهایی اجتماعی از حاصل نبود شبکه‌ای از روابط اجتماعی است که فرد در آن جزئی از گروه دوستان با علائق و فعالیت‌های مشترک باشد، یا نتیجه نداشتن جایگاهی در جامعه است (شریعتی و همکاران، ۱۳۹۵). ظهور مدرنیته بیش از دیگر دوره‌های فلسفی در احساس تنهایی انسان عصر جدید تأثیرگذار است. اگزیستانسیالیسم نیز به منزله یکی از مکتب‌های فلسفی انسان‌گرایانه در پاسخ به این دغدغه‌های دوران مدرن شکل گرفته است (ایمان‌زاده و علیپور، ۱۳۹۶). یالوم در کتاب روان‌درمانی اگزیستانسیال تنهایی را بخشی از هستی می‌داند که باید آن را بپذیریم. براساس این نظریه، فرد در

1. Lyn-Shortel
2. Sunnari

تنهایی به درک خویش نائل می‌شود و ادراک و انسانیت فرد گسترش می‌یابد (ویسی، ۲۰۱۴). در نظریه‌پردازی‌های روان‌تحلیلگری، ریشه‌های احساس تنهایی در نیازهای دوران کودکی مطرح می‌شود (برگونو و همکاران، ۲۰۰۴). ریچمن (۱۹۵۹) احساس تنهایی را ناشی از کودکی اولیه و از شیرگرفتن زودرس می‌داند. احساس تنهایی تجربه‌ای منفور، پریشان‌کننده و ناخوشایند است که سبب می‌شود کودک به همراه آن با احساس حقارت و حالت‌های خلقی و هیجانی ناراحت‌کننده‌ای نیز مواجه شود (الهاگین، ۲۰۰۴). باید توجه داشت که احساس تنهایی بیماری نیست، مانند اینکه ما هیچ‌وقت نمی‌گوییم تب یک بیماری است. احساس تنهایی پیش از هر چیز یک نشانه، آیت یا علامت است و بنا بر ویژگی‌ای که هر نشانه‌ای دارد، هشداردهنده است. همچنین با توجه به بستری که احساس تنهایی در آن زاده می‌شود، نشانه‌ای است که به ما می‌گوید در آن بستر و در ارتباط با آن مشکلی داریم و انحراف یافته‌ایم. براساس آمارهای رسمی، ۲۵۰ میلیون کودک کار در دنیا وجود دارد. حدود دو میلیون کودک کار در ایران تخمین زده شده است که در شرایط نامناسب از نظر ایمنی، بهداشت، تحصیل و... قرار دارند و با انواع بیماری‌های جسمی، روحی-روانی و اجتماعی مواجه هستند (مقدس جعفری و همکاران، ۱۳۹۲).

باید توجه داشت عمده پژوهش‌های مرتبط با مسئله کار کودک در حوزه جامعه‌شناسی و حقوق است و کمتر پژوهشی در روانشناسی صورت گرفته است. شهر تبریز در روایت‌های عامه شهری بدون متکدی است و از نظر کودکان خیابانی با کمترین آمار کشوری وضعیت مناسبی دارد. مسئولان نهادهای اجتماعی نیز این روزها عزم خود را جزم کرده‌اند تا عنوان «شهر بدون کودک خیابانی» را برای تبریز به ثبت برسانند، اما واقعیت این است که امروزه هیچ شهری از پدیده کودک کار در امان نیست و بررسی این پدیده، ابعاد آن و علل گرایش به آن و راه‌های کنترل و مواجهه با آن می‌تواند در تحقق جامعه بدون کودک کار کمک شایانی کرده و مانع آسیب‌های بعدی آن شده است. با توجه به آغاز احساس تنهایی از دوران کودکی، تأکید پژوهشگران بر تداوم این رفتارها در سال‌های بعدی و بهداشت روانی کودکان در سال‌های اخیر، همچنین نظر به اینکه تاکنون پژوهشی به بررسی احساس تنهایی در گروه کودکان کار در شهر تبریز نپرداخته است، پژوهش حاضر به واکاوی تجربه کودکان کار شهر تبریز از احساس تنهایی می‌پردازد.

پیشینه پژوهش

براساس پژوهش‌های صورت‌گرفته احساس تنهایی با مشکلات جسمانی و روان‌شناختی بسیاری مانند افسردگی (نانجل^۱ و همکاران، ۲۰۰۳)، اضطراب (جانسون و همکاران، ۲۰۰۱) سوءمصرف مواد، عزت‌نفس پایین، خستگی، شاد زندگی نکردن، تیره‌روزی و احساس بدبختی (ساکلفسکی و یاکولیک، ۱۹۸۹) مرتبط است و تهدیدی برای سلامت روان و کارکرد روانی فرد به‌شمار می‌آید. دونگ، بک و سیمون (۲۰۰۹) در بررسی تأثیر حمایت اجتماعی بر تنهایی و رفتار بد زنان چینی، به این نتیجه رسیدند که حمایت اجتماعی در کاهش احساس تنهایی بزرگسالان، جوانان، نوجوانان و کودکان نقشی بسیار مهم دارد. هاگلی و همکاران (۲۰۰۳) دریافتند که احساس تنهایی با کاهش احساس درک‌شدن، صمیمیت، راحتی و افزایش تضاد و تنش در روابط همراه است. همچنین براساس مطالعات دیگری نیز نشان می‌دهند که احساس تنهایی با اختلالات شخصیتی، خودکشی، نقص در کارکردهای شناختی و افزایش نشانه‌های افسردگی در ارتباط است. براساس پژوهش ارزوکان (۲۰۰۹) اضطراب اجتماعی و اعتمادبه‌نفس پایین پیش‌بینی‌کننده احساس تنهایی است. مدج و همکاران (۲۰۰۸) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند نوجوانانی که احساس تنهایی و نومیدی می‌کنند، به‌دنبال راهی برای رهایی از بحرانی هستند که به‌شدت آن‌ها را رنج می‌دهد. احساس تنهایی و ناخواسته‌بودن مهم‌ترین علل بروز رفتارهای خودآسیبی در نوجوانان است. مرادی‌امین و همکاران (۱۳۹۵) با مقایسه «احساس تنهایی در نوجوانان دارای اختلال نارسایی توجه بیش‌فعالی و نوجوانان عادی» به این نتیجه رسیدند که استفاده از مداخلات روان‌شناختی به‌منظور کاهش احساس تنهایی از همان دوران کودکی و قبل از رسیدن به نوجوانی صورت می‌گیرد.

براساس پژوهش‌های صورت‌گرفته با وجود اینکه احساس تنهایی و کودکان کار، حوزه‌های مورد علاقه و پژوهش پژوهشگران بوده است، در باب احساس تنهایی کودکان کار پژوهشی صورت نگرفته است؛ از این‌رو پژوهش حاضر می‌تواند ابعاد جدیدی از مشکلات کودکان کار را بگشاید؛ بنابراین به‌دنبال بررسی تجربه‌های زیسته کودکان کار از احساس تنهایی است. پرسش اصلی پژوهش این است که کودکان کار شهر تبریز چگونه تجربه زیسته خود را از احساس تنهایی روایت می‌کنند؟

چارچوب مفهومی پژوهش

در روش کیفی، نظریه‌ها پشتوانه نظری داده‌ها محسوب نمی‌شوند، بلکه حساسیت نظری به وجود می‌آورند و برای مضامین و یافته‌ها، برچسب‌های مفهومی پیشنهاد می‌کنند (لاریجانی و میرحسینی، ۱۳۹۷: ۶۵۳). نظریه‌های مطرح‌شده در باب کودکان کار متعدد است و هریک از این حوزه‌های مطالعاتی از منظر خاص خود به این پدیده پرداخته‌اند. برخی به پدیده کودکان کار از منظر اقتصادی نگاه می‌کنند. برخی نیز نگاهی کاملاً جامعه‌شناختی به این پدیده دارند و برخی هم از نگاه روان‌شناختی و تربیتی به این قضیه می‌نگرند.

رهیافت آسیب‌شناسی اجتماعی به کودکان کار، پدیده کودکان خیابانی را آسیب و بیماری‌ای اجتماعی در نظر می‌گیرد و در تبیین آن به رفتارها، ویژگی‌ها و شرایط اجتماعی کودکان کار و خانواده آن‌ها می‌پردازد؛ فرضیه‌ای که کودکان کار را رها شده و بی‌سرپرست می‌داند و به بزهکاری اجتماعی این قشر از کودکان توجه ویژه‌ای می‌کند. امروزه ناکافی و ناکارآمد بودن این ره‌یافت در پژوهش‌های متعدد اثبات شده است (حسینی، ۱۳۸۴: ۱۵۶). نظریه‌های بی‌سازمانی اجتماعی مانند نظریه آنومی مرتن و نظریه عدم تعادل ساختاری پارسونز و نیز بت که در سطح ساختارهای کلان به بررسی این آسیب‌ها می‌پردازند، بر نقش عوامل ساختاری تأکید دارند. این عوامل سبب منطبق نبودن خرده‌نظام‌ها با تغییرات اجتماعی و محیطی می‌شوند و عدم تعادل ساختاری را به وجود می‌آورند (آزادارمکی و بهار، ۱۳۷۷: ۴۷).

نگاه اقتصادی به پدیده کودکان کار یکی از رویکردهای موجود ناظر بر این کودکان است. از منظر این نظریه‌ها، ارتباط مستقیم و معناداری میان فاکتورهای اقتصادی و کودک کار وجود دارد. لوئیس در نظریه فرهنگ فقر پدیده کودکان کار به این امر اشاره می‌کند که کودکان کار نتیجه بی‌سرپرستی و رهاشدگی از سوی خانواده‌هاست. فقر و نداری نیز به ناتوانی خانواده‌ها در تعهدات اخلاقی برای فرزندان منجر می‌شود (مقدس جعفری و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۰). هولگادو و همکاران (۲۰۱۶) توانمندسازی اقتصادی کودکان کار را از جمله راه‌های برون‌رفتن از این معضل عنوان می‌کنند.

از نگاه روان‌شناختی کودکان کار به دلیل آموزش ندیدن در موعد مقرر و ناتوانی در تحصیل علم و فن، نداشتن قدرت رقابت با سایر کودکان در ایجاد زندگی سالم و نداشتن مهارت‌های اجتماعی و روانی در معرض آسیب‌های روانی قرار دارند. یکی از این آسیب‌ها که می‌تواند سلامت روان کودکان

کار را تهدید کند، احساس تنهایی است که می‌تواند در سه شکل تنهایی اجتماعی، اگزستانسیال و عاطفی تبیین شود. کاسیو و پاتریک از نظریه‌پردازان حوزه تنهایی عاطفی به این نکته اشاره دارند که احساس تنهایی ناشی از انزوای عاطفی در اثر نبود دل‌بستگی عاطفی نزدیک یا یک رابطه صمیمی (معمولاً همسر، والد یا دوست و کودک) ظاهر می‌شود و تنها می‌تواند با به‌دست آوردن دل‌بستگی عاطفی دیگر یا الحاق مجدد دل‌بستگی قبلی از دست‌رفته جبران شود (۲۰۰۸).

از منظر روان‌درمانگرایان اگزستانسیالیستی، تنهایی انسان در سه سطح تنهایی بین فردی، درون فردی و هستی‌گرا یا تنهایی اگزستانسیال مطرح شده است (یالوم، ۱۹۸۰). آروین یالوم پیشگام و مدافع این نظریه، این سه نوع تنهایی را از مسائل روان‌شناختی روبه‌رشد انسان عصر مدرن می‌داند. جمعیت آسیب‌پذیر و در معرض خطر به دلیل اسنادهای بیرونی برای ناکامی‌های خود بیشتر در معرض احساس تنهایی اگزستانسیال و پیامدهای آن از قبیل رهاشدگی و پرتاب‌شدگی واقع می‌شوند (بیوتل و همکاران، ۲۰۱۷).

به نظر می‌رسد نگاه روان‌شناختی به پدیده کودکان کار و نظریه تنهایی روان‌درمانگریانه یالوم با ابعاد متفاوت آن بتواند چارچوب خوبی برای تبیین احساس تنهایی کودکان کار باشد؛ زیرا آن‌ها به دلیل حضورنداشتن مفید در اجتماع و حلقه‌های اجتماعی در روابط فردی و بین فردی و ارتباط با معنای زندگی دچار بحران‌هایی هستند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع مطالعات کیفی است که با رویکرد پدیدارشناسی انجام گرفته است. پدیدارشناسی روشی است که هدف آن تمرکز بر ادراک افراد از جهانی است که در آن زیست می‌کنند (فید، ۲۰۰۴؛ کافل، ۲۰۱۱). پژوهشگران زمانی از این روش استفاده می‌کنند که سعی دارند به توصیف تجارب زیسته افراد بپردازند (گرین والد، ۲۰۰۵). به اعتقاد منن، پدیدارشناسی تفسیری رویکردی سامانمند برای مطالعه و تفسیر یک پدیده ارائه می‌کند و اجازه می‌دهد پدیده مدنظر با دیدگاهی تفسیری تحلیل و کشف شود تا پژوهشگر طی فرایند تفسیر به درک

1. Fade
2. Kafle
3. Groenewald

عمیق‌تری از تجربه‌های زیسته دست یابد. در این پژوهش، درک عمیق تجربه‌های کودکان کار درمورد مفهوم پدیده احساس تنهایی تنها با راه‌یافتن به ورای توصیفات بیان‌شده از تجربه آن‌ها و تفسیر و کشف معانی این تجربه‌ها در متن و زمینه ویژه خود امکان‌پذیر است. جامعه مطالعه‌شده در این پژوهش، کودکان کار شهر تبریز بودند. نمونه‌گیری به شیوه هدفمند و در دسترس انجام شد. نمونه پژوهش شامل پانزده کودک کار تبریز است. در عین توجه به وضعیت کودکان کار و ملاحظات اخلاقی، تلاش شد ضمن همدلی با کودکان دریابیم فرایند احساس تنهایی چگونه تجربه شده و این تجربه‌های خود را چگونه روایت می‌کنند. شرکت‌کنندگان بین ۸ تا ۱۵ سال داشتند. میانگین سنی شرکت‌کنندگان نیز ۱۱ سال بود.

جدول ۱. مشخصات شرکت‌کنندگان پژوهش

کد	جنسیت	سن	نوع کار	تعداد ساعت کاری	تحصیلات
۱	پسر	۱۵	دست‌فروشی	۱۱	دوم
۲	پسر	۱۳	دست‌فروشی	۸	دوم
۳	پسر	۱۴	زباله‌گردی و نان خشکی	۱۲	بی‌سواد
۴	دختر	۹	دست‌فروشی	۸	سوم
۵	پسر	۱۴	دست‌فروشی	۱۱	پنجم
۶	پسر	۱۳	دست‌فروشی	۱۳	دوم
۷	پسر	۱۴	کارگر ساختمان	۱۰	سوم
۸	پسر	۱۱	شاگردی مغازه	۱۲	سوم
۹	پسر	۱۰	شاگرد یدک‌فروش	۱۲	بی‌سواد
۱۰	پسر	۹	دست‌فروشی	۸	سوم
۱۱	پسر	۱۰	کار با ترازو	۸	چهارم
۱۲	پسر	۱۲	واکسن‌زدن	۸	پنجم
۱۳	پسر	۱۴	کوره آجرپزی	۱۰	چهارم
۱۴	دختر	۸	دست‌فروشی	۶	دوم
۱۵	پسر	۱۱	گل‌فروشی	۱۱	دوم

به منظور جمع‌آوری اطلاعات مربوط به ویژگی‌های اشتغال کودکان مانند نوع مشاغل، محل و زمان کار و روابط کودکان با یکدیگر از روش‌های مصاحبه عمیق فردی استفاده شد. اطلاعات مورد نیاز با استفاده از بررسی مصاحبه عمیق با پانزده کودک کار بین ۸ تا ۱۵ سال انجام شد. تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها به روش تحلیل محتوا صورت گرفت. بدین ترتیب که اطلاعات ضبط‌شده کدگذاری شد و مصاحبه‌گران به منظور افزایش دقت به ارزیابی و بازبینی این اطلاعات پرداختند. براساس نتایج کدگذاری‌ها مضامین اصلی اطلاعات استخراج شد و با مقایسه دائم آن‌ها، برخی مضامین مشابه با هم ادغام و با توجه به اهداف مطالعه محوربندی شدند. از آنجا که هدف از انجام مصاحبه شناختن و درک منظور و رفتار دیگران است، مصاحبه‌گر از فرد پرسش می‌کند تا وی را بهتر بشناسد و بتواند در فکر وی نفوذ کند. پایه و اساس مصاحبه و جرئت انجام آن، اعتماد است؛ یعنی آنچه مصاحبه‌شونده در مصاحبه می‌گوید باید پذیرفت و نباید سبک و سنگین کرد یا ستود. مصاحبه با کودکان کار مستلزم داشتن جرئت فراوان است. کودکان شاید ماهیت فرایند مصاحبه و نتایج احتمالی آن را ندانند؛ با این همه باز به دنبال حس مقبولیت هستند و می‌خواهند کسی به حرف‌های آن‌ها گوش دهد و گفته‌هایشان را باور کند. مصاحبه با کودکان کار مستلزم داشتن مهارت و دانش است. دانش نسبت به موانع کلامی که باید بر آنها غلبه کرد، دانش درباره نوع اطلاعاتی که باید در مصاحبه به دست آورد و برخورداری از مهارت‌های لازم برای انجام این کار، دانش به این اصل که مصاحبه‌گر به‌رغم داشتن نیت کمک‌کردن به کودک، ممکن است همیشه در این کار موفق نباشد. در مصاحبه با کودک کار باید نیازهای خاص کودک را شناخت. با این کار می‌توان مصاحبه را با نیازهای کودک هم‌خوان کرد. مناسب‌ترین محیط برای مصاحبه محیطی است که خلوت، راحت، صمیمی و دوستانه باشد همراه با چند پوستر روشن از تصاویر کودکان که بر دیوار نصب شده باشد تا کودکان کار احساس آرامش کنند. اگر کودک احساس ترس یا تشویش کند، می‌توان با غیررسمی کردن حالت مصاحبه، این احساسات کودک را کاهش داد. در این مطالعه، مصاحبه‌ها روی یک دستگاه لپ‌تاپ ضبط شد. در ابتدای هر جلسه، مصاحبه‌گر درباره اطلاعات دموگرافیک کودکان کار (نام و نام خانوادگی، نوع کار، سن، تحصیلات) می‌پرسید و سپس در مورد چگونگی مصاحبه و اهداف پژوهش حاضر توضیح

می‌داد. به شرکت‌کنندگان اطمینان داده می‌شد که متن مصاحبه کاملاً محرمانه خواهد ماند و در توصیف و تحلیل نهایی نامی از آن‌ها برده نخواهد شد. به‌منظور رسمی و قانونی کردن رضایت مصاحبه‌شوندگان برای شرکت در مصاحبه، از هریک از آنان موافقت‌نامه‌ای شفاهی گرفته شد. در عین حال که پژوهش عمیق و پرسش‌ها نیمه‌ساختاریافته محسوب می‌شد و بسیاری از پرسش‌ها نیز از دل مصاحبه بیرون آمده بود. پرسش‌های مطرح‌شده برای دستیابی به پرسش اصلی تدوین شدند. پرسش اصلی پژوهش از مصاحبه‌شوندگان این است که تجربه زیسته شما از پدیده احساس تنهایی چیست؟ پرسش‌های دیگر نیز عبارت‌اند از اینکه چه عواملی سبب می‌شود انسان در جهان احساس تنهایی کند؟ وقتی احساس تنهایی می‌کنید چه حسی به شما دست می‌دهد؟ آیا این احساس همیشه با پیامدهای منفی همراه است؟

هنگامی که صحبت‌های مصاحبه‌شونده از تشریح پدیده بررسی‌شده فاصله می‌گرفت، پژوهشگران با طرح پرسش از گفته‌های وی توجه او را به پدیده مدنظر جلب می‌کردند و سعی بر این بود که روند مصاحبه با پرس‌های پیگیر در راستای دستیابی به تجربه مورد نظر ادامه پیدا کند؛ مانند: «ممکن است در این مورد بیشتر توضیح دهید؟»، «می‌توانید این موضوع را واضح‌تر بیان کنید؟»، «ممکن است درباره... بیشتر توضیح دهید»، «یعنی می‌خواهید بگویید که...؟» یا «ممکن است با مثالی منظور خود را از صحبتی که داشتید بیان کنید؟» که این موارد سبب شفاف‌تر شدن پدیده برای پژوهشگران و خود مشارکت‌کنندگان می‌شد. هنگام مصاحبه سعی شد سایر پرسش‌ها در جریان مصاحبه شکل بگیرد. طول مدت مصاحبه ۲۵ تا ۴۵ و به‌طور متوسط ۳۰ دقیقه بود. مصاحبه‌شوندگان آزاد بودند که هر زمان اراده کنند از مصاحبه انصراف دهند. تجزیه و تحلیل داده‌ها برای پژوهش براساس جمع‌آوری اطلاعات به‌کمک پرسش‌ها و محورهای انتخاب‌شده ممکن شد. پس از مصاحبه، سخنان ضبط‌شده از سوی مصاحبه‌گر به متن نوشتاری تبدیل شد و جملات و عبارات و نقل‌قول‌هایی که به درک تجربه افراد از پدیده دلالت کمک می‌کردند مشخص شدند. در مرحله بعد، آزمونگر از عبارات مهم برای دسته‌بندی معانی، که سبب دستیابی به زیرمضمون‌ها (زیرخوشه‌ها) می‌شد، استفاده کرد. این زیرمضمون‌ها نیز برای نوشتن آنچه شرکت‌کنندگان تجربه کرده‌اند، در پوشش مضمون‌ها (خوشه‌ها) استفاده شد. درنهایت، مضمون‌ها در پوشش محدوده وسیع‌تری به نام حیطه قرار

گرفتند. به منظور صحت و استحکام داده‌ها در پژوهش حاضر، از چهار معیار مقبولیت، قابلیت اعتماد، تأییدپذیری و انتقال‌پذیری استفاده شد. مصاحبه‌های کدبندی مشارکت‌کنندگان به خودشان بازگردانده شد و آن‌ها کدهای انتخابی را مطابق تجربه‌های خودشان یافتند. همچنین از روش بازبینی هم‌تراز نیز استفاده شد و ۸۵ درصد از کدهای استخراج‌شده و مضامین پیشنهادی مورد توافق افراد بود.

یافته‌ها

از تحلیل مصاحبه‌های شرکت‌کنندگان، چهار مضمون اصلی احساسات ادراک‌شده، انواع احساس تنهایی، پیامدهای احساس تنهایی، راه‌های غلبه بر احساس تنهایی حاصل شد که در جدول ۲ آمده است:

جدول ۲. مضامین اصلی و فرعی تجربه کودکان کار از احساس تنهایی

مضامین اصلی	مضامین فرعی
احساسات ادراک‌شده	تنهایی اضطراب درماندگی رهاشدگی
انواع احساس تنهایی	تنهایی اجتماعی تنهایی اگزستانسیال
پیامدهای احساس تنهایی	تنهایی عاطفی نامیدی کاهش اعتماد به نفس بی‌معنایی زندگی اعتیاد افسردگی تعامل اجتماعی تحصیل
راه‌های غلبه بر احساس تنهایی	کسب مهارت‌های اجتماعی معنویت‌درمانی

مضمون اصلی ۱: احساسات ادراک شده

یکی از مضامین اصلی درک کودکان کار از این نوع تنهایی است. این مضمون اصلی به چهار احساس تنهایی، اضطراب، درماندگی و رهاشدگی اشاره دارد.

مضمون فرعی ۱: تنهایی

حس تنهایی در میان آدمیان بیانگر جهانی است پاره پاره و سیال که هرکس سرگرم کار خویش و فاصله افراد از هم در حال افزایش است (محمدی و رحیمی، ۱۳۹۷: ۶۸۸). احساس تنهایی به تجربه روان شناختی منفی اشاره دارد که با تجارب بین فردی منفی و از دست دادن اعتماد به دیگران مرتبط است (نیلسون و همکاران، ۲۰۰۶). بوگیرتس (۲۰۰۶) تنهایی را تجربه انزوا و احساس محرومیت درباره دیگران تعریف کرده است که با کاستی کیفی یا کمی در شبکه بین فردی شخص همراه است.

«۱۰ سال دارم و به دلیل جداشدن پدر و مادرم از یکدیگر با مادر بزرگم زندگی می‌کنم. برای اینکه پول توجیبی و خرجی‌ام را فراهم کنم کار می‌کردم. دست و پا شکسته به مدرسه می‌روم و بعد مدرسه با ترازوی خود به بازار می‌روم. خیلی احساس تنهایی می‌کنم؛ چون پدر مادر ندارم دوسم داشته باشن. وقتی میام خونه کسی نیس باهاش. مادرم مریضه و حوصله حرفای منو نداره» (شرکت کننده شماره ۱۱).

مضمون فرعی ۲: اضطراب

بیشتر مصاحبه‌شوندگان در زندگی‌شان به وجود نوعی اضطراب در زندگی خودشان اشاره کرده‌اند که از آن می‌توان به اضطراب تنهایی اشاره کرد. دیدگاه شرکت کنندگان در این زمینه چنین است: «بلا تکلیف موندم. نمی‌دونم در آینده باید چه بکنم و چه برنامه‌ای برای زندگی خود داشته باشم. به شدت از این امر اضطراب دارم که نکنه در آینده تنها باشم و اصلاً نتونم ازدواج کنم و خانواده داشته باشم» (شرکت کننده شماره ۳).

«همیشه اضطراب دارم. اضطراب از اینکه هیچ پناهگاهی ندارم. نه دوست، نه پدر مادر و نه هیچ چیز دیگه این حس رو در من کمتر نمی‌کنه. جدیداً احساس تنهایی عجیبی می‌کنم» (شرکت کننده شماره ۱).

مضمون فرعی ۳: درماندگی

برخی مصاحبه‌شوندگان در زندگی‌شان به نوعی درماندگی در زندگی خودشان اشاره کرده‌اند که از آن می‌توان به درماندگی تنهایی اشاره کرد. «مدتی که حالات خاصی رو پیدا کرده‌ام که قبلاً دچار اون نبودم. دچار درماندگی شدم. رغبت‌ها و لذت‌ها کاهش پیدا کرده. احساس می‌کنم خیلی بی‌عرضه‌ام. خانواده فقیر و درمانده دارم و زندگی خیلی بدی داریم» (شرکت‌کننده شماره ۱۵).

مضمون فرعی ۴: رهاشدگی

تله رهاشدگی یکی از تله‌های زندگی است که سبب می‌شود به هرگونه علامت ترک‌شدن و رهاشدن حساس شوید و حرف‌های دیگران را به قصد و نیت تعبیر کنید. افرادی که دچار رهاشدگی شده‌اند، همیشه نگران هستند مبادا افرادی که دوستشان دارند زمانی آن‌ها را ترک کنند یا بمیرند و احساس می‌کنند هیچ پایگاه حمایتی مطمئنی ندارند.

«احساس تنهایی من به خاطر اینکه کسانی که در زندگیم دوشون دارم از دست دادم. پدرم مواد مخدر مصرف می‌کنه و انگار دیگه ندارمش. حضورش هست، ولی در زندگی‌ام اثرگذار نیست و من در خیابان‌ها و چهارراه‌های این دنیای پرآشوب رها شده‌ام و هیچ یاریگری ندارم و این رهاشدگی بیش از هر چیز آزارم می‌ده» (شرکت‌کننده شماره ۲).

«خستم از نگاه‌های زنده بعضی مردم. هیچ چیز دنیا برام مهم نیست. شدیداً احساس تنهایی می‌کنم. احساس می‌کنم هیچ پایگاه حمایتی مطمئنی ندارم. خیلی حس بدیه که با این سن کم تو خیابان‌های این شهر بدون سرپناه به حال خودت رها بشی» (شرکت‌کننده شماره ۶).

مضمون اصلی ۲: انواع احساس تنهایی

در مصاحبه با شرکت‌کنندگان به سه نوع تنهایی (اجتماعی، اگزستانسیال، عاطفی) اشاره شد که تنهایی اجتماعی، بیشتر به دنبال نوعی گسیختگی و شکاف در شبکه اجتماعی است و در تنهایی اگزستانسیال فرد در تنهایی به درک خویش نائل می‌شود و تنهایی ادراک و انسانیت فرد را گسترش می‌دهد. تنهایی عاطفی احساس تنهایی ناشی از انزوای عاطفی در اثر نبود دل‌بستگی عاطفی نزدیک یا رابطه‌ای صمیمی است.

مضمون فرعی ۱: تنهایی اجتماعی

تنهایی اجتماعی در نتیجه احساس عضو نشدن در یک گروه و نداشتن فعالیت‌های مشترک با دیگران ایجاد می‌شود. تنهایی اجتماعی زمانی ایجاد می‌شود که شما از روابط دوستی خود ناراضی هستید و نیازمند کسب اطمینان مجدد در مورد احساس ارزشمندی خود از طرف دیگران هستید (عموزاد، ۱۳۹۳).

«بابام سرش تومور داشت. چند بار بردیمش دکتر، ولی آخرش پول نداشتیم. قرار شد دخترعمم پول بده بابام بره دکتر، اما زمانی تونست پول بپاره که بابام فوت شده بود. وقتی بابام رفت پاهام سست شد. خیلی احساس تنهایی می‌کنم. الان من و مامانم تو این جامعه خیلی تنهاییم. فامیل داریم به مراسم‌های هیچ‌کس نمی‌ریم. کلاً با هیچ‌کس رفت‌وآمد نداریم» (شرکت‌کننده شماره ۱۴).

«دوس داشتم یکی دو سوسم داشته باشه. بخدا تنهام آرزوم این بود مثل همه آدمای دنیا به خانواده داشته باشم و یکی هوامو داشته باشه. کسی باشه بتونم بهش اعتماد کنم. نمی‌تونم تو باشگاه عضو بشم. انگار با همه مردم فرق داریم در یک گروه. ممنونم که به درددم گوش دادین» (شرکت‌کننده شماره ۳).

مضمون فرعی ۲: تنهایی اگزستانسیال

در رویکرد وجودگرایی، مطابق با مکتب اگزستانسیالیسم احساس تنهایی ماهیت انسانی را بیان می‌کند که تنها به دنیا قدم می‌گذارد، تنها زندگی می‌کند و تنها می‌میرد. ماستاکاوس^۱ (۱۹۶۰) سخنگوی مکتب وجودگرایی، احساس تنهایی را اجتناب‌ناپذیر و تنهایی واقعی را مثبت می‌داند. بر اساس نظر وی، احساس تنهایی بخشی گریزناپذیر از زندگی انسانی است و به فرد توانایی تحمل، استقامت و افزایش انسانیت می‌بخشد (رستمی، ۱۳۹۲).

«تنهایی و خلوت هدف زندگی رو مشخص می‌کنه، ولی نمی‌دونم چرا نمی‌تونم روی باورهام کار کنم و دنیا رو جای بهتری برای زندگی کنم. نیاز به رشد و کامل شدن دارم، ولی تصمیم دارم هرگز از کوشش دست نکشم و برای آینده و زندگیم تلاش خواهم کرد» (شرکت‌کننده شماره ۱۳).

«من خیلی دوست دارم با خودم خلوت کنم؛ چون در تنهایی اتفاقات شگفت‌آور زیادی به فکرم می‌رسه؛ مثلاً به این فکر کردم هدفم چیست؟ و چرا اینجا تو خیابان دنبال هدفم هستم. من با این سنم نباید دیگه تو خیابان دست‌فروشی کنم. تصمیم گرفتم شاگرد مغازه بشم و در کنار کارکردنم مهارت هم کسب کنم. من ساعت‌های زیادی رو در زمان‌های تنهاییم» (شرکت‌کننده شماره ۹).

مضمون فرعی ۳: تنهایی عاطفی

تنهایی عاطفی نتیجه دوری و طردشدگی از سوی دیگران است. وقتی شما از روابط و پیوندهای عاطفی خود با دیگران ناراضی هستید و کسی را ندارید که برای مهرورزی به او تکیه کنید، دچار تنهایی عاطفی می‌شوید (عموزاد، ۱۳۹۳).

«هیچ فرد خاصی در زندگیم ندارم که باهاش درد و دل کنم. احساس می‌کنم حتی نزدیک‌ترین افراد زندگیم دوسم ندارند و هیچ‌کس منو درک نمی‌کنه و کسی ندارم بهم محبت کنه. احساس تنهایی عجیبی می‌کنم؛ چون هیچ‌کس منو درک نمی‌کنه» (شرکت‌کننده شماره ۲). «من حتی زمانی که در یک جمع هستم، باز احساس تنهایی می‌کنم؛ چون کسی رو همدم و همزبون خودم پیدا نمی‌کنم. یه جورایی از نظر روحی دلتنگم و این تنهایی در اعماق وجودم نشسته» (شرکت‌کننده شماره ۱۴).

مضمون اصلی ۳: پیامدهای احساس تنهایی

پنج مضمون فرعی درمورد پیامدهای احساس تنهایی شرکت‌کنندگان وجود دارد که عبارت است از: ناامیدی، کاهش اعتماد به نفس، بی‌معنایی زندگی، اعتیاد، افسردگی.

مضمون فرعی ۱: ناامیدی

انسان وقتی با وضعی اجتناب‌ناپذیر یا با سرنوشتی تغییرناپذیر مواجه می‌شود، ممکن است به احساسات ناخوشایندی از جمله افسردگی، ناامیدی، پوچی و تنهایی دچار شود (کانهام، ۲۰۱۵).

«دنیا برام بی‌ارزش شده. احساس می‌کنم خیلی تنهام. یه جوری شدم. حرف‌های هیچ‌کس به زبون من و قابل‌فهم من نیست. احساس می‌کنم دیگه امیدواری به آینده ندارم. از تنهایی به

تنهایی پناه می‌برم. دلم می‌خواد هیچ‌کس کنارم نباشه و به شدت احساس یأس و ناامیدی می‌کنم» (شرکت‌کننده شماره ۵).

«تمام امیدم را از دست دادم؛ چون با دست‌فروشی و فال‌فروشی مطمئنم آینده‌ای ندارم و با این شرایط جامعه نمی‌دونم چطور باید زندگی کنم. از زندگی خیلی خستم. بود و نبودم برام فرقی نداره» (شرکت‌کننده شماره ۴).

مضمون فرعی ۲: کاهش اعتماد به نفس

مفهوم اعتماد به نفس از یک سو متأثر از شرایط محیطی و وضع زیست‌شناختی افراد ارتباط دارد و از سوی دیگر با شناخت‌ها و ویژگی‌های شخصیتی افراد مرتبط است. مدت‌هاست روان‌شناسان این موضوع را مطرح کرده‌اند که افکار انسان‌ها و معنایی که به رویدادهای تجربه‌شده می‌دهند، ممکن است بر رفتار انسان‌ها تأثیرگذار باشد.

«من خیلی احساس تنهایی می‌کنم. تنهایی باعث شده من احساس بی‌ارزش بودن کنم؛ چون تو خیابان به کفشای مردم واکس می‌زنم، هیچ‌کس باهام دوس نمی‌شه. تنهایی سبب شده اعتماد به نفسم کم بشه. دوستانم همیشه بهم زور می‌گن و در برابر دوستانم احساس ضعف و ناتوانی می‌کنم. آخه ما خیلی فقیر و تنها هستیم» (شرکت‌کننده شماره ۱۲).

«احساس خوبی نسبت به خودم ندارم. تنها و بی‌کسم؛ چون هیچ‌کس بهم توجه نمی‌کنه. همه بهم می‌گن بچه بدبخت. از خودم، از زندگیم متنفرم؛ چون نمی‌تونم مثل بچه‌های دیگه به مدرسه برم نمی‌تونم فرد مفیدی باشم» (شرکت‌کننده شماره ۱۱).

مضمون فرعی ۳: بی‌معنایی زندگی، علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

معناداری زندگی یعنی هدف‌دار بودن رفتار و اعمال انسانی. آن‌کس که هدفی روشن پیش رو ندارد، احساس پوچی و بی‌معنایی می‌کند و در فرازونشیب حیات، رنجور و سرگشته گام برمی‌دارد. تداوم این احساس به صورت افسردگی، اقدام به خودکشی، روی آوردن به الکل و مواد مخدر و پرخاشگری‌های ویران‌ساز جلوه‌گر می‌شود و آدمی را از شکوفایی و جامعه را از سرزندگی دور می‌کند (گلزاری، ۱۳۸۸).

«کاش به دنیا نمی‌آمدم. هدف زندگیمو گم کردم. خیلی احساس تنهایی می‌کنم و دیگه برام

ثابت شده که بی‌هدف خلق شدم. احساس می‌کنم در او مدن به این جهان هیچ اختیار و نقشی نداشتم» (شرکت‌کننده شماره ۱۴).

«با اینکه برعکس بیشتر بچه‌های کار به مدرسه می‌رم، درک درستی از زندگی خودم ندارم. نمی‌دونم چرا درس خوندن رو بی‌فایده می‌دونم؛ چون برای فردای خودم هدفی ندارم و احساس پوچی می‌کنم» (شرکت‌کننده شماره ۱۰).

مضمون فرعی ۴: اعتیاد

مصرف موادمخدر عاداتی نامعقول در تمام جوامع بشری است که مردان و زنان بی‌شماری را به‌ویژه در سنین نوجوانی تا میان‌سالی گرفتار کرده است. فقر مالی، مشکلات خانوادگی، تنهایی و گروه هم‌سالان از علل عمده اعتیاد کودکان، نوجوانان و میان‌سالان محسوب می‌شود. برخی شرکت‌کنندگان پژوهش فقر و تنهایی دوستان را دلیل اعتیاد بیان کردند.

«چیزی که باعث شد من مواد بکشم، همین کارکردن در خیابون هست؛ چون وقتی در خیابون کار می‌کنم و جایی و پناهگاهی ندارم، تنها هستم. مجبور شدم به یک موادفروش اعتماد کنم و این زمینه رو فراهم کرد تا منم از مواد استفاده کنم و برای اون آقا آمار و راپورت بدم و هر وقت پلیس اومد بهش خبر بدم پلیس هست نیا پارک» (شرکت‌کننده شماره ۱۵).

«من چون بعضی دوستانم سیگار می‌کشیدن و نخواستم پیش اونا کم بیارم، منم شروع کردم به سیگارکشیدن و بعد دوستانم گفتن از فلانی خبر داری مواد می‌کشه. برا اینکه ازش فاصله بگیرم شروع کردم به موادکشیدن» (شرکت‌کننده شماره ۳).

مضمون فرعی ۵: افسردگی

افسردگی به مجموعه رفتارهایی اطلاق می‌شود که عنصر مشخص آن کنندی در حرکت و کلام است. گریستن، غمگینی، پاسخگویی غیرفعال، بی‌علاقگی، کم‌ارزشی، بی‌خوابی و بی‌اشتهایی از دیگر علائم آن است (بک، ۱۷۹۷). کودکان کار افسردگی خود را با عبارات زیر بیان کرده‌اند:

«من احساس می‌کنم همه ازم بدشون میاد؛ چون همه از رفتارهای من ایراد می‌گیرن. خیلی افسرده شدم. واقعاً آدم بدشانسی هستم» (شرکت‌کننده شماره ۱۰).

«استرس زیاد کارکردن باعث شده احساس افسردگی و تنهایی کنم. دیر می‌خواهم و زود بیدار می‌شوم. خودم دوس دارم این حالت رو نداشته باشم، اما نمی‌تونم باهش کنار بیام» (شرکت‌کننده شماره ۹).

مضمون اصلی ۴: راه‌های غلبه بر احساس تنهایی

یکی از جنبه‌های بسیار مهم پدیدار شده در تجربیات مشارکت‌کنندگان «راه‌های غلبه بر احساس تنهایی» بود. هریک از آنان این تم را به شکلی در لوای تجربه‌های خود مطرح کردند. چهار زیرمضمون «تعامل اجتماعی»، «تحصیل»، «کسب مهارت‌های اجتماعی» و «معنویت درمانی» راه‌های غلبه بر احساس تنهایی را شکل دادند.

مضمون اصلی ۱: تعامل اجتماعی

یکی از راهکارهای کاهش احساس تنهایی کودکان کار تعامل اجتماعی آنان است که با برقراری ارتباط شروع می‌شود و با تداوم آن به ایجاد ارتباط هم‌دلانه و در نهایت به شبکه‌ای اجتماعی می‌انجامد.

«اصلاً کسی به مشکل ما رسیدگی نمی‌کنه. حقیقتش خیلی احساس تنهایی می‌کنم. باز حالا سالی یک‌بار اونم نمی‌دونم به خاطر مثلاً روز حمایت از بچه‌های کاره یا چیه سراغمونو می‌گیرن و کمک می‌کنن. اگه کسی حمایتمون کنه، دیگه حس تنهایی نمی‌کنیم. کاش مسئولا حمایتمون کنن و ما هم به آیندمون امیدوار باشیم» (شرکت‌کننده شماره ۲).

«خب کسی حمایت نمی‌کنه. کسی نیست ببینه دلیل خیابان‌گردی ما چیه؟ بعضی از دوستان واقعاً خیلی تنها و بی‌کس هستن و جایی برای زندگی ندارند و به همین دلیل زندگیشون تو خیابون می‌گذره. بخدا خیلی ناراحت میشیم گاهی این جماعت بی‌انصاف به ما می‌گن موش‌های فاضلاب و یا پسرای ول‌گرد. ما هم مثل همه آدمیم ما برای خلاصی از این تنهایی نیاز به حمایت داریم و این انگ زدن‌ها باعث می‌شه نتونیم با مردم ارتباط برقرار کنیم» (شرکت‌کننده شماره ۱۲).

مضمون فرعی ۲: تحصیل

کودکان کاری که تجربه احساس تنهایی دارند، اعتقاد داشتند رفتن به مدرسه و هدف داشتن در از بین رفتن حس تنهایی بسیار کمک‌کننده است.

«من به مدت به خاطر شرایط زندگی من ترک تحصیل کردم و همش کار می‌کردم. خیلی احساس تنهایی می‌کردم. شب‌ها گریه می‌کردم تا اینکه مامانم گفت دوباره به مدرسه برو تا تنها نباشی حال و هوات عوض بشه. امسال مدرسه ثبت‌نام کردم و خیلی به آیندم امیدوارم» (شرکت‌کننده شماره ۱۵).

«خب از وقتی مدرسه می‌رم، هم دوستای زیادی دارم، هم درس یاد می‌گیرم. خیلی خوبه. دیگه احساس تنهایی نمی‌کنم و با انگیزه زندگی می‌کنم» (شرکت‌کننده شماره ۱۰).

مضمون فرعی ۳: کسب مهارت‌های اجتماعی

یکی از علل مهم احساس تنهایی نقص در مهارت‌های اجتماعی و روابط بین فردی است. انسان برای تماس اجتماعی ساخته شده است و هنگامی که به اندازه کافی ارتباط اجتماعی نداشته باشد، تعادل روانی خود را از دست می‌دهد و از نظر جسمی و ذهنی دچار زوال می‌شود. «من اطلاعاتی در مورد مهارت اجتماعی ندارم و تو حرف زدن با دیگران از نقاط ضعف خودم می‌گم. اونا از من فرار می‌کنن؛ چون فکر می‌کنن من ازشون انتظار کمک دارم» (شرکت‌کننده شماره ۶).

«نمی‌تونم با مشتری درست رفتار کنم؛ چون وقتی از وسایل فروشی من انتقاد می‌کنند، احساس می‌کنم چون منو فقیر می‌دونن، بهم توهین می‌کنن و از طرفی در ارتباط با دوستانم نمی‌تونم تقاضای غیرمنطقی اونها رو قبول نکنم. خجالت می‌کشم و می‌ترسم بهم بگن ندید بدید هستی» (شرکت‌کننده شماره ۱۱).

مضمون فرعی ۴: معنویت درمانی

یکی از عواملی که پژوهشگران آن را در کاهش احساس تنهایی مؤثر می‌دانند، مذهب، معنویت و به‌ویژه کیفیت ارتباط فرد با خداست. در جهان‌بینی توحیدی، توکل به خدا و باور به معاد انسان را از احساس تنهایی مصون می‌دارد (حدادی کوهسار و غباری بناب، ۱۳۹۱). «اعتقادات مذهبی من باعث شده احساس تنهایی کمتری داشته باشم. یک خدای توانا و مهربانی دارم که همامو داره و در کارها و فعالیت‌های زندگیم بهش امید دارم. امید به اینکه بتونم به اون چیزی که می‌خوام برسم و چیزی که خوب نیست رو انجام ندم» (شرکت‌کننده شماره ۷).

«دوس دارم با خدا دوس بشم و همیشه سعی کردم ارتباط خودم رو با خدا حفظ کنم و عقاید مذهبی یا معنوی که داشتم رو تقویت کردم. اینا باعث شد که کمتر حس تنهایی و افسردگی کنم. ارتباطم با خدا باعث شد در برابر تنهایی و مشکلات قوی باشم. به نظرم کسانی که اعتقاد به حامی بودن خدا دارن، احساس حمایت و راحتی بیشتری دارن» (شرکت‌کننده شماره ۱۳).

بحث و نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین مشکلات رنج‌بار که کمتر به آن توجه شده، احساس تنهایی در کودکان است که بسیاری از کودکان در جوامع مختلف آن را تجربه می‌کنند. بررسی پدیده احساس تنهایی و غلبه بر آن، به‌ویژه در دوره کودکان کار، به دلیل ماهیت خاص آن نیازمند هم‌فکری حوزه‌های علمی مختلف است. امروزه اعتقاد بر این است که شاید با کمک علوم روان‌شناسی و جامعه‌شناسی به‌طور موقت این پدیده را کاهش داد، اما رفع این پدیده نامطلوب در سایه تغییر نگاه و معرفت انسان به مبدأ هستی و نحوه ارتباط با این مبدأ است. هدف مطالعه حاضر شناخت تجربه زیسته کودکان کار و خیابانی پیرامون احساس تنهایی بود. تجربه مشارکت‌کنندگان در قالب طبقات اصلی شامل «احساسات ادراک‌شده»، «انواع احساس تنهایی»، «پیامدهای احساس تنهایی» و «راه‌های غلبه بر احساس تنهایی» جای گرفت. تأمل در طبقات به‌دست‌آمده نشان می‌دهد احساس تنهایی تجربه‌های گوناگونی برای کودکان به همراه دارد و بر تمام ابعاد زندگی آنان تأثیرگذار است. یافته‌های پژوهش حاضر بیانگر این است که میان احساس تنهایی با اضطراب و درماندگی و رهاشدگی رابطه مثبتی وجود دارد که با پژوهش حجت و همکاران (۱۳۹۵) هم‌سوئی دارد. آن‌ها نتیجه گرفتند احساس تنهایی موجب افزایش تندیگی و اضطراب رفتارهای پرخطر مانند سیگار و سوءاستفاده از مواد، گریز از مدرسه، سبب کم‌رویی و کاهش اعتمادبه‌نفس در کودکان و نوجوانان می‌شود. در مصاحبه با شرکت‌کنندگان به سه نوع تنهایی (اجتماعی، اگزیستانسیال و عاطفی) اشاره شد. در پژوهش حاضر شرکت‌کنندگان تجربه خود را از تنهایی اجتماعی، فرق‌داشتن با دیگران، نداشتن نقاط مشترک یا ناتوانی عضویت در مکان‌هایی مانند باشگاه و نارضایتی در روابط دوستی بیان کردند که با

نتایج عموزاد، ۱۳۹۳ همسوست. براین اساس، آن‌ها تجربه خود از تنهایی اگزیستانسیال را برای رسیدن به کمال و هدف، تنهایی و خلوت را بهتر می‌دانستند که این امر با پژوهش ایمان‌زاده و علی‌پور (۱۳۹۷) مطابقت دارد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد احساس تنهایی عاطفی ناشی از نداشتن همدم، کمبود محبت و ارضانشدن نیازهای عاطفی دلیل احساس تنهایی عاطفی است که سبب شده بود شرکت‌کنندگان از وضع زندگی خود باشند که با نتایج دارک (۲۰۰۵) هم‌سوست. از دیدگاه دارک، احساس تنهایی عاطفی تجربه‌ای شایع در نوجوانان و کودکان است، اما وقتی به‌طور مکرر رخ می‌دهد، تأثیرات مخربی بر سلامت جسمی، روانی و عاطفی آنان دارد. کودکان و نوجوانانی که احساس تنهایی می‌کنند، افسرده‌ترند و مشکلات عاطفی بیشتر و رضایت کمتری از زندگی دارند. همچنین پژوهش‌ها نشان می‌دهد افرادی که مشکلات مداومی در ایجاد و حفظ ارتباط با دیگران دارند و در ارضای نیاز تعلق‌پذیری با مشکل مواجه هستند، رشد هیجانی و اجتماعی‌شان با مشکل مواجه می‌شود و به آشفتگی‌های روان‌شناختی از قبیل تنهایی و افسردگی دچار می‌شوند (گوزنز، ۲۰۰۹). پیامدهای احساس تنهایی کودکان کار انکارناپذیر است. بیشتر شرکت‌کنندگان پژوهش تنهایی را عاملی برای ناامیدی، کاهش اعتمادبه‌نفس، بی‌معنایی زندگی، اعتیاد و افسردگی می‌دانند. این امر با پژوهش هنریچ و گالونی (۲۰۰۶) هم‌سوست که بیان کردند احساس تنهایی می‌تواند نقشی مهم در ایجاد و نگهداری افسردگی داشته باشد. براساس نتایج پژوهش، کودکان و نوجوانان معتاد با اضطراب و افسردگی بیشتر و مشکلاتی مانند عزت‌نفس پایین و احساس تنهایی مواجه هستند که این امر با پژوهش برنا و سواری مطابقت دارد.

یکی از یافته‌های بسیار مهم در این پژوهش راه‌های غلبه بر احساس تنهایی است. کودکان کار حمایت اجتماعی را راهکاری برای غلبه بر تنهایی بیان کردند. حمایت اجتماعی یکی از معروف‌ترین و ممتازترین راه‌های کنارآمدن با تنهایی و ناامیدی است (پهلویان و همکاران، ۲۰۱۱). نتایج مطالعه شاهینی و همکاران (۱۳۹۱) نشان می‌دهد حمایت اجتماعی مناسب سبب کاهش میزان احساس تنهایی و افزایش رضایت از زندگی می‌شود و یکی از پیش‌بینی‌کننده‌های سلامت است. در پژوهش حاضر، شرکت‌کنندگان تحصیل، رفتن به مدرسه و بودن با دوستان را راهکاری برای غلبه بر تنهایی ذکر کردند. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد کسب مهارت‌های

اجتماعی در کاهش احساس تنهایی تأثیری مثبت دارد. این امر با نتایج پژوهش فیروز علیزاده و مهرمحمدی (۱۳۹۵) مطابقت دارد که بیان می‌کند آموزش مهارت‌های مثبت‌اندیشی سبب کاهش اضطراب و افسردگی کودکان کار و خیابانی می‌شود. کودکان کار حاضر در پژوهش، ارتباط با خدا و عبادت را شیوه اساسی در رویارویی با احساس تنهایی می‌دانند. این مقوله با پژوهش‌های کیرک پاتریک و شاور (هورویتز و همکاران، ۱۹۸۲) هم‌سویی دارد. شاور در چارچوب نظریه دل‌بستگی بیان کرده است داشتن دل‌بستگی ایمن به خدا می‌تواند خلأ و آسیب‌های ناشی از دل‌بستگی ناامن در دوره‌های تحولی را کاهش دهد یا حتی جبران کند. از دیدگاه سنکوویچ، تنهایی اگزستانسیال می‌تواند در رشد و تعالی معنوی انسان و اتصال آن به وجود متعالی نقشی مهم ایفا کند (روتنبرگ و همکاران، ۲۰۰۴). از دیدگاه راکس و کارنرز رابطه منفی معناداری میان باورها و اعمال مذهبی (مانند نمازخواندن) و تنهایی وجود دارد و افرادی که درک عمیقی از ایمان و ارتباط صمیمانه با مسیح دارند، کمتر از افراد بی‌ایمان و بی‌تفاوت احساس تنهایی می‌کنند (نبکوو، ۲۰۱۳).

پژوهش حاضر علی‌رغم همکاری کودکان کار، با محدودیت‌هایی نیز مواجه بود. مصاحبه در محیط بیرون و عمدتاً در خیابان صورت می‌پذیرفت. عواملی مانند سروصدای خیابان، جمع شدن مردم دور مصاحبه‌گر و مصاحبه‌شونده، ترس کودکان کار از مصاحبه، پایین بودن سطح سواد مشارکت‌کنندگان برای انجام مصاحبه‌های غنی‌تر و... از محدودیت‌های پژوهش بود که کار پژوهشگران را با مشکل روبه‌رو می‌کرد. پیشنهاد می‌شود این پژوهش درباره دیگر کودکان کار سایر شهرها نیز انجام شود. همچنین می‌توان پژوهش‌هایی مستقل و دامنه‌دار درباره علل اصلی و چرایی پیدایش این حس به‌رغم آموزش آموزه‌های دینی فراوان در نظام آموزشی و راهکارهایی برای رفع این حس تنهایی صورت داد.

بر خود لازم می‌دانیم از همکاری همه افرادی که ما را در انجام این پژوهش یاری کردند، به‌ویژه کودکانی که با صبر و حوصله پاسخگوی پرسش‌های ما بودند، تشکر و قدردانی کنیم.

منابع

- آزادارمکی، تقی و بهار، نه‌ری (۱۳۷۷)، *بررسی مسائل اجتماعی*، تهران: مؤسسه نشر جهاد.
- ایمانی، نفیسه و نرسیسیانس، امیلیا (۱۳۹۱)، «مطالعه انسان‌شناسانه پدیده کودکان کار خیابانی در شهر کرج»، *مسائل اجتماعی ایران*، شماره ۱: ۷-۳۲.
- ایمان‌زاده، علی و علیپور، سریه (۱۳۹۷)، «بازنمایی تجربه حس تنهایی اگزستانسیال دانشجویان دختر مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره دانشگاه تبریز»، *زن در توسعه و سیاست*، شماره ۱۶: ۱۹۷-۲۲۰.
- ایمان‌زاده، علی و علیپور، سریه (۱۳۹۶)، «واکاوی تجربیات زنان سالمند از احساس تنهایی: مطالعه‌ای پدیدارشناختی»، *مجله روانشناسی پیری*، شماره ۸: ۳۱-۴۳.
- برنا، محمدرضا و سواری، کریم (۱۳۹۰)، «ارتباط ساده و چندگانه عزت‌نفس، احساس تنهایی و ابراز وجود با کمرویی»، *یافته‌های نو در روان‌شناسی*، شماره ۱۷: ۵۳-۶۲.
- حدادی کوهسار، علی‌اکبر و غباری بناب، باقر (۱۳۹۱)، «رابطه تصور فرد از خدا و روان‌پریشی»، *فصلنامه مطالعات اسلام و روانشناسی*، شماره ۱۱: ۵۹-۷۴.
- حسینی، حسن (۱۳۸۴)، «وضعیت کودکان کار و خیابان در ایران»، *رفاه اجتماعی*، شماره ۱۹: ۱۵۵-۱۷۴.
- سلیمانی، مهدیه و جاجیانی، ابراهیم (۱۳۹۲)، «ارائه مدل مدیریتی مطلوب به‌منظور ساماندهی کودکان کار و خیابان، مطالعه موردی: شهر تهران»، *مجله مدیریت فرهنگی*، شماره ۲۲: ۵۳-۶۹.
- شاهینی، نجمه و همکاران (۱۳۹۱)، «بررسی هم‌بستگی حمایت اجتماعی، احساس تنهایی و رضایت از زندگی در بین دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گلستان در سال ۱۳۸۹»، *مجله پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی شهیدبهشتی*، شماره ۱۷: ۳۰۲-۳۰۶.
- عموزاد، آرزو (۱۳۹۳)، «بررسی رابطه تأخیر سن ازدواج و احساس تنهایی در دانشجویان تحصیلات تکمیلی خوابگاهی دانشگاه الزهرا سال تحصیلی ۹۲-۹۳»، *پایان‌نامه دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد دانشگاه الزهرا*.
- فلاح، فاطمه و همکاران (۱۳۸۶)، «بررسی شیوع هیاتیت B و C در کودکان خیابانی شهر

- تهران از فروردین تا شهریور ۱۳۸۶»، *مجله پژوهش در پزشکی*، شماره ۳۲: ۱۴۷-۱۵۱.
- فیروز علیزاده، زهره و مهرمحمدی، مجید (۱۳۹۵)، «اثربخشی آموزش مهارت‌های مثبت اندیشی بر اضطراب و افسردگی کودکان کار و خیابان»، چهارمین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روان‌شناسی، آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ایران.
 - گلزاری، محمود (۱۳۸۸)، «بن‌بست‌های روانشناسی انسان‌محور در معنا درمانی»، همایش ملی معنادرمانی زندگی، اصفهان، اداره کل امور فرهنگی دانشگاه اصفهان.
 - لاریجانی، مهسا و میرحسینی، زهرا (۱۳۹۷)، «واکاوی معنایی سیر زندگی زنان تحت درمان متادون (از آغاز تا رهایی)»، *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، شماره ۷: ۶۴۹-۶۷۵.
 - مقدس جعفری، محمدحسین، ویسی‌نژاد، نورمحمد و درستی، امیرعلی (۱۳۹۲)، «بررسی عوامل مؤثر بر پیدایش و گسترش پدیده کودکان کار - مطالعه موردی شهر اهواز»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۲: ۵۵-۷۲.
 - محمدی، جمال و رحیمی، اهون (۱۳۹۷)، «مطالعه کیفی مصرف نشانه‌ها در فضاهای شهری (مورد مطالعه: شهر سنج)»، *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، شماره ۷: ۶۷۷-۷۰۰.
 - مرادی امین و همکاران (۱۳۹۵)، «مقایسه احساس تنهایی در نوجوانان دارای اختلال نارسایی توجه پیش‌فعالی و نوجوانان عادی»، *فصلنامه توانمندسازی کودکان استثنایی*، شماره ۱۹: ۹۶-۱۰۳.
 - Beck, A. T. (Ed.). (1979), "Cognitive Therapy of Depression", Guilford Press.
 - Berguno, G. et al. (2004), "Children's Experience of Loneliness at School and Its Relation to Bullying and Quality of Teacher Interventions", **The Qualitative Report**, Vol. 9, No.3: 483- 499.
 - Beutel, M. E. et al. (2017), "Loneliness in the General Population: Prevalence, Determinants and Relations to Mental Health", **BMC Psychiatry**, Vol. 17, No. 1: 97.
 - Cacioppo J. T., and Hawkey L. C. (2009), "Perceived Social Isolation and Cognition", **Trends in Cogn Sci**, Vol. 13, No. 10: 447- 454.
 - Cacippo, J. T. et al. (2006), "Loneliness with Anomolgica Net: An Evolutionary Perspective", **Journal of Researchin Personality**, Vol. 40, No. 6: 1054-1085.
 - Canham, S. L. (2015), "What's Loneliness Got to Do with It? Older Women Who Use Benzodiazepines", **Australasian Journal on Ageing**, Vol. 34, No. 1: 35-56.
 - Davila, J. et al. (2004), "Romantic Involvement and Depressive Symptoms in Early and Late Adolescence: The Role of a Preoccupied Relational Style", **Personal Relationships**, Vol. 11, No. 2: 61-178.

- Deniz, M. E. and Hamarta, E. Arı, R. (2005), "An Investigation of Social Skills and Loneliness Levelsof University Students with Respect to Their Attachment Styles In a Sample of Turkish Students", **Social Behavior and Personality: An International Journal**, Vol. 33, No. 1: 19-30.
- Dong, X., Beck, T., and Simon, M. A. (2009), "Loneliness and Mistreatment of Older Chinese Women: Does Social Support Matter", **Journal of Women and Aging**, Vol. 21, No. 4: 293-302.
- Ernest, J. and Mcaioppo, J. T. (2005), "Lonleyhearts:Psychological Perspctives On Loneliness", **Applied and Preventivepsychology**, Vol. 8, No. 1: 1-22.
- Erozkán, A. (2009), "The Predictors of Loneliness in Adolescents", **Elementary Education Online**, Vol. 8, No. 3: 809-819.
- Henderson, V. P., et al. (2012), "The Effects of Mindfulness-Based Stress Reduction on Psychosocial Outcomes and Quality of Life in Early-Stage Breast Cancer Patients: A Randomized Trial", **Breast Cancer Research and Treatment**, Vol. 13, No. 1: 99-109.
- Holgado, D. et al. (2016), Two Profiles of Child Labor in the Colombian Caribbean Coast: Children Relocated to Suburban Areas Compared to the Key Role of Social and Labor Characteristics of Mothers in Urban Settings, **In Indicators of Quality Of Life In Latin America** (PP. 251-273). Springer, Cham.
- Horowitz, L. M., French, R. D. S., and Anderson, C. A. (1982)., "The Prototype of a Lonely Person", **Loneliness: A Sourcebook of Current Theory, Research and Therapy**, PP. 183-205.
- Cacioppo. J. T. et al. (2008), "Lonley Traits Concomitant Psysiological Process: the Macarthur Social Neuroscience Studiese", **International Jornal of Psychology**, Vol. 35, No. 2-3: 143-154.
- Heinrich, L. M., and Gullonea, E. (2006), "The Clinical Significance of Loneliness: A Literature Review", **Clinical Psychology Review**, Vol. 26, No. 6: 695-718.
- Goossens, L. et al. (2009), "Lonelinessandsolitudeinadolecence: A Confirmatory Factor Analysis of Alternative Models", **Journal of Personality and Individual Differences**, Vol. 47, No. 8: 890-894.
- Johnson, H. D. et al. (2001), "Peer Conflict a Voidance: Associations with Loneliness, Social Anxiety, and Social A Voidance", **Psychological Reports**, Vol. 88, No. 1: 227-235.
- Kolpachnikov, V. (2013), **Client-Centered and Existential Approaches: Are They Mostly Similar or Different?** Higher School of Economics Research Paper No. WP BRP, 14.
- Madge, N. et al. (2008), "Deliberate Self-Harm Within an International Community Sample of Young People: Comparative Findings from the Child and Adolescent Self-Harm in Europe (CASE) Study", **J Childpsychol Psychiatry** Vol. 49, No. 6: 667-677.
- Nangle, D. W. et al. (2003), "Popularity, Friendship Quantity, and Friendship Quality:Interactive Influences on Children's Loneliness and Depression", **Journal of Clinical Child and Adolescent Psychology**, Vol. 32, No. 4: 546-555.

- Pehlivan S. et al. (2011), "Relationship Between Hopelessness, Loneliness, and Perceived Social Support from Family in Turkish Patients with Cancer", **Support Care Cancer**, Vol. 20, No. 4: 733-739.
- Hawkey, L. C. et al. (2003), "Loneliness in Everyday Life: Cardiovascular Activity, Psychosocial Context, and Health Behaviors", **Journal of Personality and Social Psychology**, Vol. 85, No.1: 105-120.
- Pinquart, M., and Sörensen, S. (2003), "Risk Factors for Loneliness in Adulthood and Old Age a Meta-Analysis", **Advances in Psychology Research**, Vol. 19, No. 3: 111-143.
- Richman D. (1959), **The Lonely Crowded: A Study of the Changing American Character**, New Haven, Conn: Yale University Press.
- Rotenberg, K. J., Macdonald, K. J., and King, E. V. (2004), "The Relationship Between Loneliness and Interpersonal Trust During Middle Childhood", **The Journal of Genetic Psychology**, Vol. 165, No. 3: 233-249.
- Saklofske, D. H., and Yackulic, R. A. (1989), "Personality Predictors of Loneliness", **Personality and Individual Differences**, Vol. 10, No. 4: 467-472.
- Durak Batigun, A. (2005), "Suicide Probability: An Assessment Terms of Reasons for Living, Hopelessness and Loneliness", **Turk Psikiyatri Derg**; Vol. 16, No. 1: 29-39.
- Ernest, J., and Mcaioppo, J. T. (2005), "Lonleyhearts: Psychological Perspectives On Loneliness", **Applied and Preventive Psychology**, Vol. 8, No. 1: 1-22.
- Sunnari, V. (2010), **I Cannot Speak About It**, Physical Sexual Harassment as Experienced by Children at School in Northern Finland and Northwest Russia VDM Verlag.
- Withy, K. (2014), "Situation and Limitation: Making Sense of Heidegger on Thrownness", **European Journal of Philosophy**, Vol. 22, No.1: 61-81.
- Weiss, R. S. (1973), **Loneliness: The Experience of Emotional and Social Isolation**, Cambridge, Mass.
- Elhageen, A. A. M. (2004), **Effect of Interaction Between Parental Treatment Styles and Peer Relations in Classroom on the Feelings of Loneliness Among Deaf Children in Egyptian Schools**, New York: Basic Books.
- Nilsson, B., Lindström, U. Å., and Nåden, D. (2006), "Is Loneliness a Psychological Dysfunction? A Literary Study of the Phenomenon of Loneliness", **Scandinavian Journal of Caring Sciences**, Vol. 20, No. 1: 93-101.
- Bogaerts, S., Vanheule, S., and Desmet, M. (2006), "Feelings of Subjective Emotional Loneliness: An Exploration of Attachment", **Social Behavior and Personality: An International Journal**, Vol. 34, No. 7: 797-812.
- Canham, S. L. (2015), "What's Loneliness Got to Do with It? Older Women who Use Benzodiazepines", **Australasian Journal on Ageing**, Vol. 34, No. 1: E7-E12.
- Yalom, I. D. (1980), **Existential Psychotherapy**, Vol. 1, New York: Basic Books.